

# فلاخن

شماره‌ی یازدهم

## امپریالیسم و عواملش در روژئاوا

نویسنده: ردوان توران

مترجم: نازنین رضایی



---

"یادداشت زیر - آیا حزب اتحاد دموکراتیک عامل امپریالیسم است؟ - [که ما نام آن را تغییر داده ایم] توسط ردوان توران، دبیر کل حزب سوسیالیست دموکراتیک ترکیه (اس د پ)، در پاسخ به نقد گرایشی در چپ که حزب اتحاد دموکراتیک - کوردستان سوریه - را به هم دستی با امپریالیسم متهم می کنند، نوشته و در ژورنال آزاد ترکیه چاپ شده است."

حملات هوایی ایالات متحده به مواضع داعش در اطراف کوبانی و ارسال متعاقب سلاح برای حزب اتحاد دموکراتیک، سبب بالاگرفتن بحث موهومی میان چپ‌ها بر سر مسأله‌ی امپریالیسم شده است.

بحثی با این محور که آیا پذیرش سلاح از ایالات متحده به مثابه همکاری با امپریالیسم است؟ به باور من این رویکرد سلبی به امپریالیسم، از آنجا که هر صورت از تعامل با پراکسیس حاضر و مقطع تاریخی موجود نیروهای طبقاتی در آن نادیده گرفته می‌شود، در تضاد با مارکسیسم-لنینیسم است. اما پیش فرض این سوال ابعادی درهم تنیده با رویکرد تاریخی‌ای دارد که مقاومت کوردها با آن مواجه بوده است.

میل به مشاهده‌ی فرآیند انقلاب بر محور ناسیونالیسم کورد در میان کسانی که این نقد را وارد می‌کنند بر کسی پوشیده نیست و این دست مجادلات بر سر همکاری با امپریالیسم، برخاسته از انکارگرایی ملهم از کمالیسم است. دستورالعمل‌های کمینترن برای حمایت از رژیم کمالیست در برابر شورش‌های کوردها، که "ارتجاعی" و "فئودالی" تعریف می‌شدند، به خوبی شناخته شده‌اند، آنچه که حزب کمونیست ترکیه عملاً در قبال این مسأله انجام داد.

آن زمان و هم‌الان، بعضی هستند که همگان را با شاخص "مقدس" آنتی امپریالیسم‌شان سنجیده‌اند و کسانی که برای مدتی طولانی حق تعیین سرنوشت را قربانی شوونیسم ملی کردند. آنها به سادگی مدعی‌اند که کوردها با امپریالیسم همکاری می‌کنند در حالی که هم‌دستی موضع

خودشان با امپریالیسم را ندیده می‌گیرند. مهم نیست که پ ک ک سال‌ها اجتناب کرد که نمونه‌ای از حزب دموکرات کوردستان عراق بشود، اما پذیرش اسلحه از ایالات متحده زیر سایه‌ی قتل عام همکاری محسوب می‌شود!

تکرار بی‌وقفه‌ی یک گفتار، واقعیت را تغییر نمی‌دهد؛ این استقرار پارادایم چپ در کوبانی است که ماهیت سیستم را تعیین می‌بخشد، حتی اگر کوردها همچنان زیر اتهام هم‌دستی با امپریالیسم باقی بمانند. حال چه منفعتی وجود دارد که به جای دیدن پیروزی مقاومت کوبانی به عنوان قدمی به پیش برای هسته‌ی انقلابی در حال شکل‌گیری در خاورمیانه و حمایت مقاومت، شادمانه فریاد می‌زنند: "نگاه کنید! می‌بینید؟ آنها با امپریالیسم همکاری می‌کنند!"؟

آیا برای این ادعا که حزب اتحاد دموکراتیک عامل امپریالیسم است نباید روی کلمات تأمل کرد؟ در حالی که یک انسان-مرد، زن یا کودک-رو در رو، در برابر باندهایی که خود توسط امپریالیسم ساخته شده‌اند مقاومت می‌کند؟ بیش از دو سال همکاری مشترک، در حرف و عمل، میان آمریکا و ترکیه و حزب دموکرات کوردستان عراق (به رهبری بارزانی) بر سر مساله‌ی روژئاوا در جریان است. فراموش نکنید که همین دیروز امپریالیسم آمریکا و ترکیه و حزب دموکرات کوردستان (عراق)، حزب اتحاد دموکراتیک را تحت فشار می‌گذاشتند که بخشی از ارتش آزاد سوریه شود و علیه اسد بجنگد. فراموش نکنید که آنها از حزب اتحاد دموکراتیک می‌خواستند که به شورای ملی کوردهای سوریه (ان ک س) ملحق شود، که به وسیله‌ی بارزانی کنترل می‌شود، و از قدرت تهی شود؛ فراموش نکنید سیاست مرزی محصول اتحاد بارزانی و ترکیه، و نیز پیاده‌سازی تحریم‌های نانوشته را. پیش از بحث کمک نظامی، امپریالیسم بارها تلاش کرد تا از طریق استفاده از نیروهای محلی در روژئاوا تاثیر بگذارد.

کسانی که الان آژیر خطر هم‌دستی را به صدا درآورده‌اند، هرگز صدایشان را در برابر این تهاجمات امپریالیستی-استعماری بالا نبردند. فکر می‌کنید چرا کسانی که اکنون پذیرفتن اسلحه‌ی ارسالی امریکا زیر سایه‌ی کشتار جمعی را به عنوان هم‌دستی با امپریالیسم نکوهش می‌کنند، هرگز توجهی به موضع آزادی خواهانه و ضد امپریالیستی این جنبش نداشته‌اند؟ بگذارید بگوییم؛ به دلیل شوونیسم افسار گسیخته‌ی اجتماعی.

هم‌دستی نه پذیرش کمک نظامی تحت تهدید قتل عام، بلکه وارد شدن به وابستگی و روابط

استعماری با امپریالیسم است. وارد کردن این ادعا که پذیرش اسلحه به معنای هم‌دستی است، تنزل دادن مطلق مبارزه‌ی طبقاتی است. خصلت چنین روابطی نه در یک "مقطع زمانی" بلکه در طول یک "پروسه" قابل تبیین است. این واژگون‌نمایی بدان معناست که ادعا کنیم وابستگی امپریالیستی و روابط استعماری که مستقلا و خود به خودی، در مقاطع زودگذر برقرار می‌شوند، مبارزه‌ی طبقاتی را تعیین می‌بخشند؛ پیش رفتن در این ادعا به مثابه دیدن امپریالیسم به عنوان "قادر مطلق" است.

به یاد داشته باشیم که رفتن لنین از سوئیس به سن پترزبورگ، که ارزنده‌ترین مقطع تاریخی در جنگ جهانی اول را ساخت، با حمایت مادی امپریالیسم آلمانی بود. هدف آلمانی‌ها تقویت هرج و مرج در روسیه و اقدام در جهت براندازی تزار بود. بر این اساس آلمان به جنگ با روسیه پایان داد و تمام نیروهایش را از خطوط مقدم شرقی به غرب فرستاد. برنامه عملی شده بود و قیام مدنی در روسیه عروج کرد.

انقلاب شوروی بزرگترین پاسخ به کسانی بود که در آن دوره ادعا کردند لنین نماینده‌ی منافع آلمان است. این حمایت آلمان از لنین نبود که خصلت انقلاب را تعیین کرد، بلکه خود انقلابی بود که از نیروهای خلاقه‌ی مبارزه‌ی طبقاتی در روسیه به وقوع پیوست. مبارزه‌ی طبقاتی در طولانی مدت به سوال تمام کسانی که بی وقفه ناقوس‌های خطر هم‌دستی را به صدا در آورده بودند، پاسخ داد، که "آیا لنین یک انقلابی بزرگ است، یا یک هم‌دست امپریالیسم آلمان؟". درست مثل حالا، که می‌بینیم عده‌ای به نفع این استدلال که حزب اتحاد دموکراتیک در حال هم‌دستی با امپریالیسم است، رسوایی اعلام لنین به عنوان عامل امپریالیسم و حتی مامور آلمان را می‌پذیرند! جای شگفتی دارد و نمی‌توان کاری کرد، تنها می‌توان پرسید: فضیلت این همه دشمنی با کوردها در چیست؟

منبع: ژورنال آزاد

من الجوف